

نسخه خطی تفسیر سوره یوسف (ع)

مجموعه متعلق بکتابخانه ملی رشت (۱)

از جمله نسخه‌های خطی که در این ایام بتصرف کتابخانه ملی رشت در آمده مجموعه ایست بقطع ۱۲×۲۳ سانتیمتر که صفحات آن شماره ندارد و در هر صفحه معمولاً ۲۳ سطر با خط نسخ و مرکب سیاه، و عنوانهای فصلها با خط نسخ درشت و با جوهر قرمز نوشته شده است. کاتب مراعات دال و ذال کرده و اغلب پ و چ و گ (بارسی) را ب و ج و ک (تازی) نوشته است.

این مجموعه شامل سه بخش است:

۱ - تفسیر سوره یوسف - چنین آغاز میشود:

«بسم الله الرحمن الرحيم . سپاس خداوندی را که قادر بر کمال است و آفریدگار روز و شب و سال است ...»

تفسیر مزبور از جهت سبک بمؤلفات مائمه ششم هجری مانده است و از اختصاصات سبک آن:

استعمال ضمیر «یت» بجای «ید» (سوم شخص جمع ماضی): ملك گفت يوسف چه کنایه کرد که او را بزندان فرمودیت. (۲)

تکرار افعال و کلمات: اگر طالب دنیایی جدی بیايد تا بدو مولا شوی و اگر طالب عقبی ای جدی بیايد تا بدو مهنا شوی (۳)

گاه مراعات موازنه و سجع کند (مانند کلمات خواجه عبدالله انصاری): حق

(۱) دوستان فاضل نگارنده آقای دکتر مهدی بیانی رئیس کتابخانه ملی تهران و آقای حبیب یغمائی مدیر مجله یغما و آقای علوی عضو دادگستری گیلان بارزش مجموعه بی برده یادداشت‌هایی تهیه کرده‌اند و آقای یغمائی نیز قطعاتی از تفسیر سوره یوسف را در شماره ۴ مجله صفحه ۱۶۲ و شماره ۵ صفحه ۲۲۶ و ۲۲۷ و شماره ۶ صفحه ۲۶۴ نقل کرده‌اند. (۲) در اسرار التوحید (مؤلف در اواخر ماهه ششم) کثرت و زینت و بیابیت بجای کنید و زیند و بیابیت آمده (سبک شناسی آقای بهار. جلد ۲ ص ۲۰۲) (۳) رجوع شود بنمونه‌ای که از این تفسیر در همین مقاله درج میشود

تعالی خود را ملک گفت زیرا که آفرید کار دو جهانست و ملک زمین و آسمانست و دارنده
ملک جاودانست، ملک همه ملکانست ... (۱)

لغاتی را با تلفظ کهن معمول در خراسان قدیم استعمال کنند مانند: گرمه
بجای گرمابه (۲)

استعمال «ازین» برای بیان جنس (۳): (قاضی گفت: ای زن از چه شکایت میکنی
شوهر نانت نمیدهد یا برك خانات نمیکند یا آنچه شرط صحبت است بجای نمیآورد
زن جواب داد که ازین هیچ گونه تقصیری نیست .

آوردن ترکیبات تازی در ضمن عبارت پارسی: زن گفت: ومع هذا الجمال ايضا يا
قاضی اگر نفقه کم دهند و ادا نمائید و اگر برك خانه نکنند و ادا نمائید و کذا فی الضرب و الشتم و الحس.
گاه مراعات تطبیق صفت با موصوف عربی کند: نفس کافره اماره .
بندرت کلمات تازی ثقیل در آن دیده میشود: ما در این اقرار مکره بودیم .

تفسیر مزبور به «فصل» ها تقسیم شده است و مؤلف پس از ذکر شماره فصل، آیه ای
از سوره احسن القصص یاد کند و سپس بتوضیح و تفسیر آن با ذکر آیات و اخبار و احادیث
و حکایات عرفا و دیگر بزرگان پردازد؛ و کلمات آنرا نقل کند و بمناسبت لطایف و ایامی
نیز بعنوان تبیین مطلب درج کند. دوست دانشمند نگارنده آقای علوی که در مجموعه
مذکور تتبع کرده اند بر آنند که تفسیر سوره یوسف ملاحسین کاشفی اقتباس گونه ایست
ازین تفسیر .

نمونه ای از تفسیر مزبور (۴):

«الفصل الخامس والعشرون من قصة يوسف عليه السلام في قوله تعالى و قال
الذي اشترىه من مصر لانه اكرمي مثويه (۵) قال الامام رضی الله عنه: من طلب
شيئا وجد (ه) وجد، هر که چیزی بجویند و در راه جستن آن بیویند (۶) اگر بجود بشتابد اگر

(۱) و نیز عبارت آغاز تفسیر که پیشتر گذشت (۲) مقایسه شود با مجمل التواریخ
و القصص (مؤلف بسال ۵۲۰) مصحح آقای بهار صفحه ۲۸۸ (۳) ا ك : سبك شناسی
جلد ۲ ص ۲۵۸ (۴) با حفظ رسم الخط . (۵) سوره ۱۲ (یوسف) آیه ۲۱
(۶) باب (سه نقطه) که بندرت دیده میشود.

طالب دنیایی جدی بیاید تا بنو مولا شوی و اگر طالب عقیمی ای جدی بیاید تا بنو مهنا شوی و اگر طالب مولایی جدی بیاید تا بنو آشنا شوی و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا^(۱).

حکایت درویشی در شهر بغداد بدرسرای خلیفه بگذشت بر ایوان و درسرای نوشته بود: من طلب شیئاً وجد وجد، درویش گفت ما را کار افتاد (۲)

نام مؤلف این تفسیر در دیباچه چنین آمده: «خواجه امام تاج‌الدین منیف النظر جمال‌الدین ابوبکر احمد بن محمد بن زید الطوسی رضی الله عنه».

و بنابرین وی نه ابو حامد غزالی بزرگ (۳) است و نه امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد بن احمد غزالی طوسی (متوفی بسال ۵۰۵) که تفسیر سوره یوسف «بتازی» بنام او چاپ شده است (۴) و نه برادر وی ابو الفتوح مجدالدین احمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی (متوفی بسال ۵۲۰). ترجمه احوال مؤلف مذکور را در کتب رجال نیافتم. سزاوار است خوانندگان فاضل که بترجمه او دست دارند دیگر خوانندگان را بهره‌مند سازند.

در پایان نسخه تفسیر سوره یوسف آمده است: قد تم قصة یوسف فی یوم الجمعة ثالث عشر ربيع الثاني سنة سبع و اربعین و ثمان مائة حامداً كاتبه الله سبحانه حمده تقدس و تعالی نفسه مصلياً علی رسوله و مسلماته سلیماناً و بنابرین تاریخ کتابت این بخش از مجموعه سال ۸۴۷ هجریست.

(۲) در حواشی تفسیر سوره یوسف، منظومه لیلی و مجنون نظامی نوشته شده و آن با دو بیت ذیل آغاز شود:

(۱) سوره ۲۹ (عنکبوت) آیه ۶۹. (۲) بقیه این حکایت در مجله یفما شماره ۵ صفحه ۲۲۶ ۲۲۷ درج شده است. (۳) غزالی نامه تألیف آقای همائی ص ۲۶۳ - ۲۶۶. (۴) در نسخه چاپی سال ۱۳۱۲ آنرا از «امام حجة الاسلام زین‌الدین ابو حامد محمد بن محمد بن احمد الغزالی الطوس الاشعری الشافعی» دانسته‌اند ولی در صفحه ۳ (متن) فقط چنین آمده:

قال الشيخ الامام الاجل ابو حامد الغزالی، که ممکن است مراد ابو حامد غزالی بزرگ (غزالی نامه صفحات مذکور) و یا ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی مشهور. در غزالی نامه ذکر تفسیر سوره یوسف نیامده.

چون بنگری آن دو لعل خونخوار خونی و مئی است لعل کردار
لطفش بکده صلاح ساقی لطفی است چنانکه باد باقی

و این ابیات از عنوان « در مدح شروانشاه اختسان بن منوچهر » (۳) است و بنا برین قسمتی از اول منظومه ساقطست . در پایان نسخه لیلی و مجنون این بیت زیر نوشته شده :
این نام که نام داوری باد بر دولت تو (۴) خجسته پی باد (۵)

و سپس عبارت ذیل آمده : تمت الكتاب الموسوم بلیلی و مجنون من مقالات افضل الشعراء (۶) و افضل الحكماء (۷) نظامی کنج به عون الله تعالی و حسن توفیقه و الصلوة والسلام علی محمد و آله فی یوم السبت ثامن جمادی الاولی سنة احدى وخسمین و ثمانمائة و بنا بر این منظومه مزبور بسال ۸۵۱ یعنی پس از چهار سال تمام از تاریخ کتابت تفسیر سوره یوسف استنساخ شده است و برای تصحیح لیلی و مجنون نظامی ممکن است سودمند باشد .

۳- طبق تحقیق آقای علوی ، بخش سوم مجموعه ، شرح ام داود است . مجموعه مزبور آنگاه که بتصرف کتابخانه ملی رشت در آمد قسمتی از رساله سوم با رساله اول در آمیخته بود و آقای مظلوم زاده مدیر کتابخانه آن را جدا کرده با بخش آخر منظم ساخته اند .

این رساله نیز هر چند از لحاظ مندرجات بیابانه تفسیر سوره یوسف نمیرسد از نظر سبک از آن دور نیست اینک نمونه ای از این بخش :

« عیسی علیه السلام گفت یا جمجمه (۱) حدیث اهل آتش یا ذکن تاجکونه دینی گفت : یا عیسی دوزخ هفت طبقه است : یکی هاویه است و آن فراخ ترین طبقه هاست از بهر منافقان آفریده است . دوم سعیر است و آن جایگاه جهودانست ، سوم حجیم است و آن جایگاه ترسایانست . چهارم سقر است و آن جایگاه ایشان است که به عبادة اندر نباشند . پنجم لظی است و آن جایگاه گبرانست . ششم حطمه است و آن جایگاه کافرانست

(۱) عیسی جمجمه سپید در بیابان شام بدید و از او پرسشها کرد و پاسخها شنید .

در این عبارات استعمال « به » شایان توجه است و در رساله پهلوی « خسرو کواذان ورینک » مکرر آمده است : شاهنشاه ... آن سخن را بر است داشت .